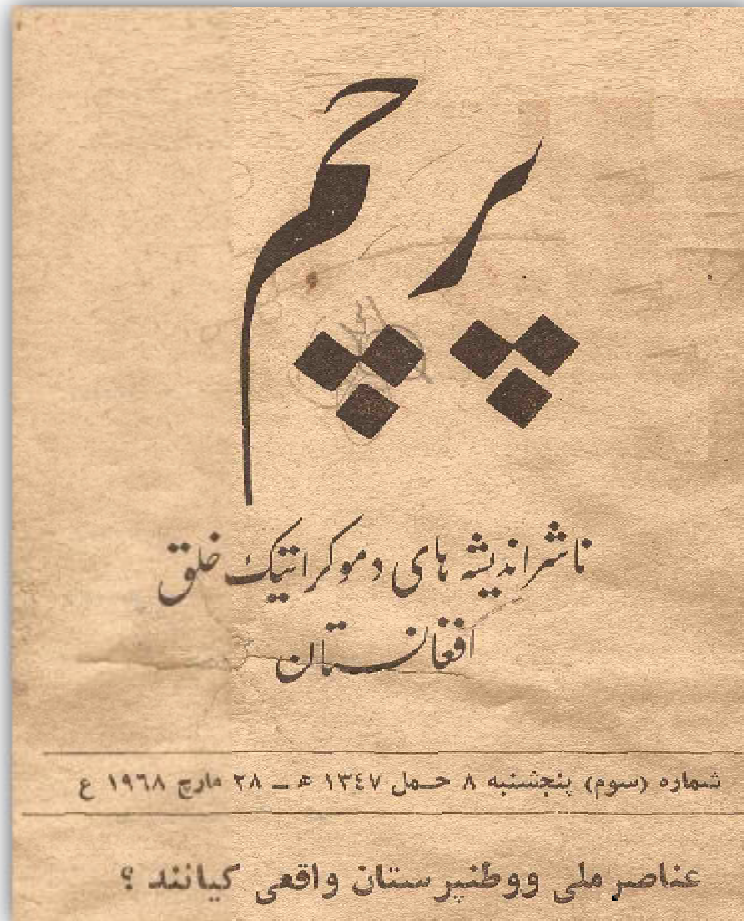


ببرک کارمل:

عناصر ملی و وطنپرستان واقعی کیانند؟



تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

محافل و عناصر حاکمه ارتجاعی کشور پیوسته از «ملی بودن، وطنپرست بودن، ایدئولوژی ملی و افغانی داشتن . . .» و غیره حرف میزنند و سخنگویان شان با آب و تاب در پیرامون این مفاهیم سخنوری و قلم فرسایی میکنند و دمه تیغ مطلب را به سود ارتجاع و به ضرر نیروهای ترقیخواه و دموکراتیک وطن میچرخانند.

این شیوه های تحریک آمیز تبلیغات تازگی نداشته و سوابق طولانی دارد. از همان روزهای که نخستین نطفه های تنور، وطنپرستی و ملی ضد ارتجاع، ضد استبداد، ضد استعمار به نام مشروطه

خواهی و آزادی خواهی در کشور بسته شد و بخصوص از روزیکه نیروهای دموکراتیک خلق قدم به عرصه فعالیت گذاشت اتهام ناروای «ملی نبودن و وطنپرست نبودن» سلاح عامی بود که مرتجعین و مستبدین و استعمارگران خارجی علیه آنان مورد استعمال قرار داده اند.

درین تبلیغات ضد مصالح کشور، دست ارتجاع و استعمار واضحاً آشکار است. آنها نه تنها اعتقاد خود را به ملی نبودن و وطنپرست نبودن نیروهای اصیل دموکراتیک و ترقی خواه کشور اظهار میدارند بلکه هر نیروئی که ضد منافع شان به مبارزه برخیزد محکوم به بدترین اتهامات میگردد.

سوالی باین مفهوم طرح میکنیم که عناصر ملی و وطن پرستان واقعی کیانند؟

برای پاسخ باین سوال اول باید بدانیم که صفت «ملی بودن» به کدام شخص، محفل، سازمان سیاسی و یا جمعیتی اطلاق میگردد. بعقیده ما، ملی به شخص، محفل، سازمان سیاسی یا جمعیتی گفته میشود که مدافع جدی و با شهامت استقلال ملی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور خویش و دشمن ارتجاع، استعمار و امپریالیزم باشد، بدون اینکه ادعای برتری و یا تسلط ملت خود را بر ملت دیگری با روحیه شونیستی (تفوق طلبی ملی) تبارز دهد.

از مدتی باینطرف طوریکه برای تمام هموطنان معلوم است پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان مدافع پیگیر و صدیق منافع طبقه کارگران و زحمتکشان شهر و ده (بیش از 95 فیصد نفوس کشور) میباشند و مصمم اند که در مرحله «هدف غایی» آنها را کاملاً از قید ظلم و استثمار آزاد گردانند اما این امر مسلم است که در سیر تاریخ تا کنون بزرگترین لطمه به منافع طبقات زحمتکش کشور و استقلال ملی ما از جانب ارتجاع بین المللی یعنی استعمار گران کهن و نوین و امپریالیزم وارد گردیده است. بدین مناسبت عالیتزین و درست ترین مقیاس ملی بودن همانا عبارت از دفاع و هوا داری از استقلال ملی کشور است نه راه دادن نفوذ استثمار استعماری، فرهنگ و ایدئولوژی استعماری و سیاست استعماری در پرده لفظاً بکار بردن اصطلاحات (ملی ایدئولوژی افغانی . . . و غیره)

ما در حالیکه هیچگاه خواستهای ایدئولوژیکی، سیاسی و اقتصادی کارگران و زحمتکشان کشور خود را برای یک لحظه هم از یاد نمی بریم و پیوسته در راه آنها مبارزه خواهیم کرد، مبارزات ملی ضد استعماری خود را (به حیث شرط پیروزی در مبارزات طبقاتی) پیشاپیش نهضت ملی و ضد استعماری و ضد امپریالیزم تعقیب خواهیم کرد. ملی بودن در خاصیت و سرشت جریان ماست. عمل وطن پرستانه ما ملاک این حقیقت است که پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان پیوند های عمیق و محکم با وطن خود دارند و قویاً ملی هستند. البته ما این افتخار را منحصر بخود نمیدانیم و پیوسته بسایر نیروهای ملی ضد استعمار و امپریالیزم به نظر دوستی و احترام مینگریم.

احساسات ملی و منافع وطن صرف در جریان اشتراک فعال در مبارزه روزمره نهضت آزادیبخش ملی و مترقی و ساختمان جامعه نوین میتواند بمدارج عالیتر ارتقا کند نه در دفاع از ارتجاع، استبداد و استعمار.

هستند کسانیکه، ملی بودن و «وطن پرست بودن و مترقی بودن» را از هم جدا میکنند.

جریان نهضت های نجاتبخش طبقات زحمتکش جهان به روشنی بیان میدارد که پیش آهنگان ترقیخواه جامعه که تنوری علمی و ایدئولوژی پیشرو عصر ما رهنمای عمل شان است، وطن پرست ترین عناصر وطن خود بوده اند. جنگهای کبیر وطنی ترقیخواهان و نهضت های مقاومت ملل جهان علیه فاشیسم، مظهر عالیترین عشق بوطن بشمار میرود.

در شرایط معاصر نیز ترقیخواهان وطن پرست ملل تحت استعمار و تحت نفوذ ارتجاع پیشاپیش مبارزات آزادیبخش ملی ضد استعمار، تجاوز و امپریالیسم قهرمانانه پیکار مینمایند.

محافل حاکمه ارتجاعی کشور که عوامفربانه از وطنپرستی و ملی بودن دم میزنند هیچوقت آرزو نداشته اند تا مضمون و مفهوم واقعی وطن پرستی روشن گردد.

. . . آنست که از این آقایان سوال شود که مطلوب شما از وطن چیست؟ اگر وطن را به معنای داشتن استقلال ملی و سرزمین و تمامیت ارضی بگیرند بارها موضع گیری وطن پرستانه نیروهای ترقیخواه در زمینه بوضاحت در عمل و نظر تشریح گردیده است. چنانچه مرام دموکراتیک خلق به صراحت اعلام میدارد که:

«دفاع از تمامیت ارضی استقلال سیاسی افغانستان و تأمین استقلال اقتصادی و حاکمیت ملی کشور، عظیم ترین وظیفه ملی و دموکراتیک خلق بشمار میرود» (اول، امور سیاسی فقره یکم.)

اگر هدف آنها دفاع از محیط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود کشور باشد که طبقات حاکمه ارتجاعی و نماینده گان سیاسی آنها و عوامل استعماری موجب بوجود آوردن آن شده و عبارت از: فقره سیاه و بیماری کشنده ملیونها هموطن زحمتکش، بیسوادی اکثریت مطلق مردم، برهنگی، بیکاری، خانه بدوشی و بیخانمانی، خواری و افسردگی جوانان و روشنفکران کشور، فقدان مسئولیت و آزادی و اختناق افکار عمومی، استثمار توده های عظیم مردم، تسلط ستمگران بر جان و مال و افکار مردم، نفوذ زور و پول، تبلیغ و ترویج و حفظ خرافات و مسایل مبتذل و تخدیر کننده، عدم رشد سریع اقتصاد و فرهنگ، نفوذ استثمار استعماری در تمام شئون اقتصادی و فرهنگی کشور . . . و

غیره باشد پس اجازه دهید به کمال جرئت وطن پرستی اظهار بداریم که این نوع «وطن پروری» با «ایدئولوژی آن» بشما تقدیم آقایان (!)

آقایان شما از آن جهت نیروهای نوین ترقیخواه وطن پرست را محکوم بغیر ملی بودن و وطنپرست نبودن میسازید که آنها مصمم هستند مشیت شما را باز کنند و پا های سنگین شما را از گرده مردم دور سازند!

پس سوال در اینجا است که محتوی وطن، و وطن پرستی ما چیست و کدام است؟

آنچه ما درباره وطن محبوب خود افغانستان از لحاظ ماهوی میاندیشیم عبارت از گنجینه های پر ارزش سیاسی اجتماعی و فرهنگی است که اجداد و نیاکان ما به زحمت درین وطن بوجود آورده اند و ما تصمیم داریم که طبق مقتضیات عصر و بر مبنای ایدئولوژی پیشرو دوران ما آنها را نقادانه رشد و پرورش دهیم و بر اساس آن یک محیط خلاق، خلقی، دموکراتیک، مترقی یعنی وطن نوین مردم افغانستان را بسازیم.

از جمله گنجینه های اجتماعی و سیاسی وطن ما سنن عالیه مبارزات پر از شهامت و آزادیبخش و انقلابی مردم افغانستان است که در طول تاریخ علیه استعمارگران و اشغالگران خارجی و مرتجعین و ستمگران داخلی نبرد های عادلانه کرده اند و از خاک، سرزمین، شرف و ناموس و استقلال وطن خود دفاع نموده اند.

مبارزات قهرمانانه پدران ما، الهام بخش مبارزات ملی و دموکراتیک و مترقی در مضمون نوین علمی در دوران معاصر ماست.

ما به گنجینه های فرهنگی، عنعنات و هنرهای پسندیده و ادبیات زیبا و رشد یابنده مردمان وطن خود که از استعداد خلاق شان نماینده گی میکند و قسمتی از گنجینه های فرهنگی جهان را تشکیل میدهد عشق فراوان داریم.

موجز اینکه این وطن و محیطی که ما می خواهیم به وجود آوریم عبارت است از امحای افسردگی ملی نفاق و ستم ملی و احساس غم انگیز غربت و بیکی مردم ما که شعرا و نویسندگان ما همیشه در تألیف آثار ادبی و هنری خود از آنها الهام گرفته اند.

محیطی که ما می خواهیم ایجاد کنیم محیطی خواهد بود که جز منافع و مصالح خلق های افغانستان هیچگونه مبداء و منشاء اجنبی پرستی و ماورای مرز پرستی و ضد صلح، استقلال ملی دموکراسی و ترقی اجتماعی و رفاهیت توده های عظیم مردم وطن ما نخواهد داشت.

ایا اجرای این رسالت تاریخی وظیفه هر فرد شرافتمند وطن نیست؟ آقایان شما جواب بگوئید! ما که از جان و دل میگویم بلی! یک ملیون مرتبه بلی!

ما از چنان تظاهر به وطن پروری و ملی بودن که موجب بیوطنی مردم افغانستان و ظلم و ستمگری گردد انزجار و نفرت خود را اظهار میداریم! ما معتقدیم که مردم افغانستان تنها با طرد کامل ارتجاع داخلی و بین المللی از وطن میتوانند با مصونیت و آزادی کامل صاحب وطن پرافتخار در جهان باشد.

هموطنان، تحول طلبان، نیروهای صدیق، مدافعین با شهامت استقلال و حاکمیت ملی! افشاء ماهیت عناصر و نیرو های ارتجاعی که از استعمال مفاهیم «ملی بودن، وطن پرست بودن و ایدئولوژی ملی داشتن . . . و غیره» سوء استفاده میکنند یکی از وظایف بزرگ وطن پرستان و عناصر ملی حقیقی است.

در حالیکه ترقیخواهان کشور از جمله پرچمداران دموکراتیک خلق عمیق ترین، عالیترین و انسانی ترین احساس جوش خورده بشری خود را به حیث وطن پرستان و فرزندان صدیق خلق افغانستان در برابر بشریت مترقی و خلقهای جهان ابراز میدارند و در رنج و درد، سرور و شادمانی ملل جهان خود را شریک میدانند و تشکیل وسیع ترین جبهه واحد را علیه سیاست تجاوز و جنگ امپریالیزم به خاطر حفظ صلح جهانی و پیروزی نهضت های آزادیبخش ملی جهان از آنجمله پ تونستان و همبستگی زحمتکشان جهان را ضرورت و طبیعت دوران معاصر میپندارند، اعلام میدارد که ترقیخواهان افغانستان که جهان بینی علمی و ایدئولوژی پیشرو عصر ما رهنمای عمل آنهاست صدیق ترین وطنپرستان و شریفترین عناصر ملی اند نه مرتجعین و مستبدین که در ظاهر امر تنگ نظرانه داد از ملی بودن و وطن داری میزنند و در ماهیت آن خلقهای نجیب و زحمتکش کشور را به منظور بهره کشی مادی و معنوی تحمیق مینمایند.

پاینده باد وطن محبوب ما افغانستان!

پیروز باد جنبش وطنپرستانه ترقی خواهان!

(ببرک کارمل)

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضل

ز (ص اول)

عناصر ملی و وطنپرستان واقعی کیانند ؟

پرسیده در راه آنها مبارزه خواهم کرد. مبارزات ملی ضد استعماری خود را به جهت شرط بیروزی در مبارزات طبقاتی پیشا پیش نهضت ملی ضد استعماری و ضد امپریالیزم عقبی خواهم کرد. ملی بودن در خاصیت و سرشت جریان ما است. عمل وطن پرستانه «علاک این حقیقت است که پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان بیوند های عمیق و محکم با وطن خود دارند و قویا ملی هستند. این افتخار را منحصر بخود

نورین ترقیخواه وطن پرست را محکوم بقبر ملی بودن و وطنپرست نبودن میسازند که آنها مصمم هستند شمارا باز کنند و باهای سنگین شمارا از کرده مردم دور سازند!

پس سوال در اجاست که محتوی وطن، وطن پرستی ما چیست و کدام است؟

آنچه ما در باره وطن محبوب خود افغانستان اولحاظ ماعوی میاندیشیم عبارت از جنبه های پر ارزش سیاسی اجتماعی و فرهنگی است که اجداد بیاگان ما بزحمت دیرین وطن بوجود آورده اند و ما تصمیم داریم که طبق

نورین ترقیخواه وطن پرست را محکوم بقبر ملی بودن و وطنپرست نبودن میسازند که آنها مصمم هستند شمارا باز کنند و باهای سنگین شمارا از کرده مردم دور سازند!

پس سوال در اجاست که محتوی وطن، وطن پرستی ما چیست و کدام است؟

آنچه ما در باره وطن محبوب خود افغانستان اولحاظ ماعوی میاندیشیم عبارت از جنبه های پر ارزش سیاسی اجتماعی و فرهنگی است که اجداد بیاگان ما بزحمت دیرین وطن بوجود آورده اند و ما تصمیم داریم که طبق

فرهنگی موجود کشور باشد که طبقات حاکمه از تجاعی و نمایندگان سیاسی آنها و عوا مل استعماری موجب بوجود آوردن آن شده و عبارت از: فقره سیاه و بیماری کشنده ملیونها هموطن زحمتکش، بیسوادی اکثریت مطلق مردم، برهنگی، بیکاری، خانه بدوشی و بیخانمانی، خواری و افسردگی جوانان و روشنفکران کشور، فقدان مصنویت و آزادی و اختناق افکار عمومی، استعمار بوده های عظیم مردم، تسلط مستمکران بر جان و مال و افکار مردم، نفوذ زور و پول، تبلیغ و ترویج و حفظ خرافات و مسایل مبتذل و نخدیر کننده، عدم رشد سریع اقتصاد و فرهنگ، نفوذ استعمار استعماری در تمام شئون اقتصادی و فرهنگی کشور... و غیره باشند پس اجازه دهید بکمال حسرت وطن پرستی اظهار بدارم که این نوع «وطن پروری» یا «ایدیالوژی آن» بشما تقدیم آقا بیا!

آقا بیا! شما از آن جهت نیروهای

عمرهای بسنده پده و ادبیات زینا و رشد یابند مردمان وطن خود که از استعداد خلاقشان نمایندگی میکنند و قسمتی از جنبه های فرهنگی جهان را تشکیل میدهند عشق فراوان داریم.

موجر اینکه این وطن و محیطیکه ما میخواهیم بوجود آوریم عبارت است از امحای افسردگی ملی نفاق و شتم ملی و احساس غم انگیز غربت و بیگسی مردم ما که شعرا و نویسندگان ما همیشه در تالیف آثار ادبی و هنری خود از آنها الهام گرفته اند.

محیطی که ما میخواهیم ایجاد کنیم محیطی خواهد بود که جز منافع و مصالح خلقهای افغانستان هیچگونه مبداء و منشاء اجنبی پرستی و باورای روز پرستی و ضد صلح، استقلال ملی دموکراسی و ترقی اجتماعی و رفاهیت

به خاطر حفظ صلح جهانی و بیروزی نهضت های آزادیبخش ملی جهان از آنجمله بپسوندستان و همبستگی زحمتکشان جهان را ضرورت و طبیعت دوران معاصر میپندارند، اعلام میدارد که ترقیخواهان افغانستان که جهان بیتی علمی و ایدیلوژی پیشرو عصر ما رهنمای عمل آنهاست صدیق ترین وطنپرستان و سر برترین عناصر ملی اند نه مر نجعین و مستبدین که در ظاهر امر تنگ نظرانه دادا ملی بودن و وطن داری میزنند و در ماهیت آن حلقهای تحیب و زحمتکش کشور را بمنظور بهره کشی مادی و معنوی تحقیر مینمایند.

پاینده باد وطن محبوب ما افغانستان! بیروز باد جنش وطنپرستانه ترقی خواهان!

(ببرک کار مل)